

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر

۲۶.۰۲.۰۹

نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان

جلد دوم

فصل دوازدهم

زمینه های سقوط امارت طالبان

قبلاً متذکر شدیم که دولت عربستان سعودی، علی رغم آنکه در کنار سایر شرکاء، نقش عمده ای در ایجاد پروژه طالبان داشته و بار عمده مخارج این پروژه را به عهده داشت، به خاطر آنکه ملا عمر تقاضای آن دولت مبنی بر تسلیم دهی اسامه بن لادن را رد نمود و نیز فشار های سیاسی و دیپلماتیک ایالات متحده بالای آن سنگینی میکرد، شناخت رسمی خود از طالبان را پس گرفت و طبعاً آزرده خاطر هم گردید. ایالات متحده امریکا هم با حمله موشکی بالای خوست و پایگاه های تروریستی متحدین گروه مذکور در واقع تصمیم نهائی خودش مبنی بر ترک حمایتش از اداره طالبان را اعلام نمود. خانم "مادلین اولبرایت" وزیر امور خارجه، هیلاری کلنتن بانوی اول و سایر مقامات حکومتی آن کشور (در همان زمان) پیوسته از روشها و سیاست های نادرست و ضد بشری طالبان انتقاد مینمودند. چنانکه خانم "اولبرایت" طی سفری به پاکستان با صراحت گفت:

"رفتار طالبان با زنان و کودکان نفرت انگیز است." "ریچارد کریستز" که همراه با وزیر امور خارجه امریکا به پاکستان سفر نموده بود گفت:

"در گیری های افغانستان به مثابه محرکه ای بالقوه برای عدم ثبات در جنوب آسیا، مایه نگرانی جدی برای دولت امریکاست."

درسفری که "کارل اندر فورث" معاون وزارت امور خارجه امریکا در ماه جون ۲۰۰۰ میلادی به روسیه انجام داد، طی اعلامیه مشترک گفتند:

"فعالیت های دهشت افگنان که در افغانستان تریبه میگردند، خطر جدی برای امنیت کشور های آسیای میانه و جهان محسوب می گردد." وزارت امور خارجه بنگله دیش در ماه جون ۲۰۰۰ اعلام

نمود که " نفوذ طالبان در داکه نیز محسوس بوده و ارتباط نیرو های تندرو و متعصب بنگله دیش را با طالبان کشف کرده است " بنابراین ، حکومت بنگله دیش بر طالبان انتقاد جدی نموده حرکت آنها را مداخله مستقیم در امور داخلی آن کشور دانست . سازمان ملل ، نیز بالنوبه از اداره طالبان نه تنها آزرده و منزجر گردیده بود، بلکه شورای امنیت سازمان متذکره ، تحریم های آتی را در ماه جنوری ۲۰۰۱ میلادی علیه اداره گروه مذکور به این ترتیب به تصویب رسانید:

(۱) منع سفر های مقامات طالبان به خارج

(۲) منع خرید سلاح از کشور های خارج

(۳) بستن حساب ها و سرمایه های این گروه در کشور های خارج

علاوه از آن ، ایالات متحده ، دفتر سیاسی طالبان در نیویارک را نیز در هفته دوم ماه فبروری ۲۰۰۱ میلادی مسدود نمود. "سلیمان دمیریل" رئیس جمهور ترکیه هم در پیامی به "عسکرآقیوف" رئیس جمهور قرغزستان گفت :

" طالبان خطر جدی برای امنیت آسیای مرکزی است . . . آسیای مرکزی باید در قرن بیست و یک همچنان منطقه با ثبات و با رشد و توسعه باشد و طالبان خطری بالقوه برای کشور های این منطقه است . "

کمیته عفو بین الملل به تعقیب تقاضا های قبلی خویش ، همچنان با نشر اعلامیه ای از تحرکات نظامی در کابل و اطراف آن اظهار نگرانی نموده طی اعلامیه ای گفت :

" این کمیته با در نظر داشت انکشافات نظامی اخیر در افغانستان از ناحیه مصونیت اهالی ملکی، به خصوص شهروندان کابل نگران است . . . رفتار غیر انسانی طالبان با اهالی جبل السراج، بگرام و چاریکار که منجر به آتش زدن خانه های آنان ، لت و کوب بیرحمانه و دستگیریهای وسیع جوانان محلات ذکر شده را قابل اندیشه جدی دانسته از طالبان میخواهد هرچه زود تر به این بر خورد ها خاتمه داده و در مورد یک هزار تن از جوانان و اهالی کابل که اخیراً به وسیله این گروه دستگیر گردیده اند، نگران میباشد. . . "

آقای "ویندرل" که در ماه جولای ۲۰۰۰ به جای اخضر ابراهیمی به حیث نماینده سرمنشی سازمان ملل پیرامون قضیه افغانستان به کار آغاز نمود، امید وار بود که خواهد توانست نسبت به سلف خویش مصدر کاری گردد ، پس از مسافرتها ، ملاقاتها و تلاشهای پیهم به کشور های همسایه و تقاضای مکرر از حکومت کشور های مذکور ، بالاخره به تاریخ پنجم ماه آگست ، طی یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت :

" تا مداخلات خارجی به طور مشترک در افغانستان قطع نگردد ، استقرار صلح در افغانستان چانسی نخواهد داشت . "

وزیر امور خارجه روسیه در هفته دوم ماه آگست ۲۰۰۰ م ، پاکستان را برای کمک های نظامی اش به نیرو های طالبان در شمال افغانستان متهم کرد.

به تاریخ پانزدهم اکتوبر ۱۹۹۹ م ، به تعداد چهل و پنج تن از نام آوران صنعت فلم و تلویزیون ایالات متحده امریکا در منزل "جی لنو" برنامه ریز مشهور شبکه "ام بی سی" در لاس انجلس گرد آمده ضمن اظهار نفرت و انزجار شان از اعمال و کردار طالبان ، به خصوص تبعیض شدید آنها علیه زنان افغانستان ، مبلغ نیم میلیون دالر غرض کمک برای زنان افغانستان اعانه دادند. خانم "اوماویس لنو" یکی از فعال ترین مدافعین حقوق زن در امریکا میباشد که از وضع و حال زنان افغان شدیداً متأثر بوده و گرد همایی مذکور به همت او صورت گرفت .

روزنامه مشهور پاکستان به نام "دان" نیز طی نشر مقاله ای تحت عنوان "وقت آنست که پاکستان پای خود را از غرقاب افغانستان بیرون کشد" ، چنین نوشت :

" . . . از نقطه نظر بینش همگانی و طرز دید واقعینانه ، دو موضوع عمده برای پاکستان عرض اندام میکند: یکی اینکه طالبان منحیت یک پدیده سیاسی اصلا یک مسأله بوقلمون، متزلزل و پر از شک و تردید میباشد. سلطه آنها به حیث یک حقیقت و واقعیت کل و یک جریان غیر قابل پسند و پذیرش، هیچ گاه از طرف عامه و اکثریت استقبال نشده و نه میشود ، بلکه حقیقت امر این است که این گروه طرف انزجار و بد بینی تعداد زیادی ممالک و دولت های منطقه قرار گرفته است . همین برخورد مشترک و هم نظری ممالک مذکور در یک صف ضد طالبها ، باید به حیث یک بر خورد سیاسی به مقابل پاکستان تلقی شود ، زیرا در نظر اکثریت ، ملیشای طالبها بدیل پاکستان یا گماشته پاکستان به شمار می رود. این بر خورد و موضعگیری مشترک برضد طالبها خیلی پر اهمیت بوده و پاکستان را در برابر اکثر ممالک منطقه و سایرین در حالت تجرید در آورده است . . . "

بنجامین گلن نماینده حزب دموکرات از ایالت نیویارک در کانگرس آن کشور که در عین حال رئیس کمیته روابط خارجی هم میباشد ، از بروز و گسترش روز افزون یک گروه جدید اسلامیت های افراطی و بنیاد گرا هوشدار داد و امکان توسعه بزرگترین ساحه تولید هیروئین را تحت رژیم طالبان در افغانستان خاطر نشان ساخت . . . خطرناکترین خلای شناخت و تفریق در اداره کلنتون همین پالیسی آن در برابر طالبان میباشد . گروهی که نگهبان اسامه بن لادن بوده و کسانی را که سرحد پاکستان و کشمیر را عبور میکنند نیز حمایت میکنند . . . "

این همه اعتراض مقامات و منابع کشور های خارجی علیه گروه طالبان با سختگیریهای قرون وسطائی ، زن ستیزی ، سرکوبگری ، ظلم و تعدی آنها در داخل افغانستان دست به هم داده آرام آرام اوضاع به نفع جبهه "اسلامی ضد طالبان" متمایل میگشت . ایران ، روسیه ، تاجکستان و سایر کشور های منطقه با استفاده از میدان هوایی کولاب در تاجکستان ، ارسال تجهیزات نظامی و سایر کمکهای

مورد نیاز جبهه را به عهده گرفتند. هندوستان هم در تقویت این جبهه از راه ها و مجرا های مختلف مالی ، سیاسی و تبلیغاتی میکوشید ، ایالات متحده هم بالاخره تصمیم قاطع علیه طالبان اتخاذ نمود. یگانه حامی بالقوه و بالفعل که برای گروه مذکور باقی ماند عبارت از سازمان استخبارات نظامی پاکستان ، احزاب اسلامی با مدارس مذهبی آنان .

با سفر احمد شاه مسعود به اروپا در هفته اول ماه اپریل ۲۰۰۱ میلادی ، استقبالی که از وی به عمل آمد و اعلام حمایت و مساعدت های مالی و سیاسی و نیز صدور قطعنامه های اتحادیه اروپا، در واقع ، خون تازه در پیکر جبهه ضد طالبان به جریان افتاد و اعتبار بزرگی برای آن کمائی کرد و بالمقابل ، اداره لوج و خشن طالبان بیشتر از پیش در منطقه و جهان منزوی گردید . یعنی با ایجاد ائتلافهای مشترک میان قدرت های مختلف منطقه و جهان، دیگر تیوری " معامله " با طالبان به تیوری " مقابله " با طالبان تغییر کرد و موازنه برهم خورد.

ترور احمد شاه مسعود و آغاز حوادث خونین دیگر :

احمد شاه مسعود با آنکه از نظر سیاسی - دیپلماتیک در حلقات بین المللی ، به خصوص پس از سفر اروپا ، بیشتر از گذشته صاحب اعتبار گردیده بود ، مگر هنوز هم در تقابل بلا وقفه با نیرو های طالبان قرار داشت و مقر فرماندهی اش در حاشیه شمال شرقی کشور به نام " خواجه غار " واقع در ولایت تخار افغانستان بود . هنوز دامنه جنگها در ولایات پروان ، کاپیسا ، نهرین ، اطراف تخار ، لغمان و جا های دیگر ادامه داشت.

مسعود به روز نهم ماه سپتامبر ۲۰۰۱ م ، مصاحبه ای داشت با دو تن از " خبرنگاران " مراکشی الاصل مقیم بلجیم در خواجه بهالدین ، واقع در ولایت تخار که این مصاحبه در اثر انفجار عمدی به وسیله کمره فلبرداری "خبر نگاران" ، منجر به مرگ وی گردید . هر چند هویت اصلی تروریستان ، مرکز دستور دهی آنها و دست های دخیل در این ترور خونین تا همین اکنون (اخیر ماه فبروری ۲۰۰۹ م) که این سطور نگاشته میشود ، طور شاید و باید افشا نشده است ، اما گفته ها ، نظرات و افواهات مختلفی در این زمینه به بیرون درز کرده که از لابلای آنها مشکل بتوان به اصل منبع و به کنه موضوع پی برد . هرگاه از بعد خارجی این برنامه تروریستی بگذریم ، در بعد داخلی آن ، حرفها و سخن هائی در اینجا و آنجا بر سر زبانها بوده و حتا مطالبی نیز به چاپ رسیده است . از آن جمله ، مثلاً ، گفته شد که تروریستان نه تنها مدت بیشتر از یکماه را در مقر "عبدالرب رسول سیاف" در شمال کابل سپری نموده بودند ، بلکه آقای سیاف چندین بار برای "احمد شاه مسعود" سفارش هم میکند تا به اصطلاح خبرنگاران عرب را که از مدتی به اینسو منتظر مانده اند؛ غرض انجام دادن مصاحبه بپذیرد . همچنان شینده شد که تنی چند از همکاران نزدیک "مسعود" در این عمل نقش داشته اند و دلیل آورده میشد که اگر چنین نبوده ، پس چطور کمره پر از مواد منفجره و یا تروریستان دارای واسکت

انتحاری و . . . از کمر بند دقیق اطلاعاتی و امنیتی منطقه و محل استقرار "مسعود" عبور کردند؟ باز این سؤال مطرح شد که اگر عنصر یا عناصر نزدیک به وی نقشی در این ماجرای خونین نداشته اند، چسان یکی از تروریستان که دستگیر شده و در چنان حالت فوق العاده زندانی است، از "کلکین اتاق زندان فرار میکند"؟ و باز هم سؤال دیگری مطرح شد که احیاناً زندانی "از کلکین" اتاق فرار کرده بود که یقیناً مسلح هم نبوده است، چرا به جای آنکه زنده دستگیر شود تا با تحقیقات بعدی، سر نخ به دست آید، با شلیک گلوله از پا در آورده میشود؟ و . . . به هر حال، مرگ "احمد شاه مسعود" دس از گذشت دو روز رسماً اعلام گردید. هنوز نزدیکان "مسعود" مشغول عزاداری بودند که ساعت ۹ صبح یازدهم ماه سپتامبر ۲۰۰۱م حادثه دهشت بار تروریستی در شهر مزدحم نیویارک به وقوع پیوست. یعنی دو آسمان خراش مشهور در محل "منهتن" شهر نیویارک که به نام مرکز تجارت جهانی شناخته میشود، با اصابت دادن عمدی و تروریستی دو طیاره بزرگ مسافربری مورد حمله قرار گرفت و پس از چند دقیقه، کاملاً فرو ریختند که مرگ حدود سه هزار انسان بیگناه را در قبال داشت. صحنه تصادم طیارات به آسمان خراشهای نیویارک و جریان فرو ریزی آنها را مردم جهان در صفحات تلویزیون های شان به تماشا نشستند. قرار گزارشات رسمی ایالات متحده، در آن صبح خونین، چهارفروند طیاره توسط گروه بیست نفری از تروریستان مرتبط با سازمان "القاعده" به رهبری اسامه بن لادن که در آن شب و روز در افغانستان و در حمایت اداره طالبان به سر می برد، ر بوده شده یکی از آن ها قبل از رسیدن به هدف، سقوط میکند، دو فروند آن، دو آسمان خراش شهر نیویارک را هدف میگیرند و سومی به یک ضلع وزارت دفاع در شهر واشنگتن اصابت داده میشود. مقامات ایالات متحده از همان لحظات نخست، دست "اسامه بن لادن" و سازمان او را در این حادثه دلخراش دخیل دانست و حتا لیست اسامی نزده تن از تروریستان دیدخل در این رویداد را افشاء نمودند که همه آنها عربی و پاکستانی بودند. ظاهراً وقوع همین حادثه موجب گردید که ایالات متحده، در قبال اداره طالبان خشمگین تر شده و بالاخره به تاریخ هفتم ماه اکتوبر ۲۰۰۱م به عملیات نظامی علیه آنها متوسل گردد.

ادامه دارد